

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

جیلانی لیب

۰۱ مارچ ۲۰۱۴

شعر و ادب چپ گرا

نیم نگرشی کوتاه در عصر قحطی و آشفته حالی

۴

بارق شفیع:

به پیش!...

از تن بریده باد به فرمان انقلاب
آن سر که نیست بر سر پیمان انقلاب

هر دم هزار جان طلبم تا هزار بار
سازم فدای مردم و قربان انقلاب

دامن زند به شعله جاوید افتخار
جاوید باد یاد شهیدان انقلاب

به- به چه پر دلست، چه آژیر و پر هنر
نازم به پیشواز دلیران انقلاب

از موج سیل خون نهراسد گه نبرد
دریا نورد بحر خروشان انقلاب

دریا دلان ساحل حماسه ها، به پیش!

بر دوش موج سر کش توفان انقلاب

زنده باد!

ای وطنداران شعور انقلابی زنده باد!

وین شعار آتشین و آفتابی زنده باد!

تابه جای باده جام می پرستان در وطن

پر زخون شیخ وشه باشد، شرابی زنده باد!

تا پی تعمیر خود کوشند اینجا بردگان

برده داران را به دل هول خرابی زنده باد!

تا براندازد همی رسم غلامی از جهان

پیرو لنین مهین مرد حسابی زنده باد!

گر سرم خواهد برایش بی تأمل می دهم

کاندر آئین وفا حاضر جوابی زنده باد!

تافزاید خشم مردم گرمی حماسه اش

شاعر اندیشه های انقلابی زنده باد!

اخطار

قهر هستی سوز خلقم ز انقلاب من بترس

بحر توفانزای خشمم ز اضطراب من بترس

آذر خشی در دل شب ز هره ات را آب کرد

آخر ای خفاش کور! از آفتاب من بترس

سُست بنیاد است هر سدی که بندی در رهم

سلیم و بس بی امانم از شتاب من بترس

ای رگ گردن بخون خلق کرده استوار

پای دار داوری ها از طناب من بترس

ای که میلرزی چون من در پرده می گویم سخن

از غریو خلق و قهر بی حجاب من بترس

درد در جانم به قصد هستی ات کین پرور است

رحم کن بر خوشتن، از رنج و عذاب من بترس
ای دهن بگشوده بر بد گوئی ارمان من
سیلی مرگ آفرینم از عتاب م بترس

شیپور انقلاب

فریاد توده ها
لرزاند کاخ قدرت سرمایه را چنان

کز رعب و هیبتش:
لرزید برج قلعه و پشت ستمگران
اعلام کرد عصر رهائی خلقها.

زین کار بی نظیر
هر ساله میروند ز دل خلق بر زبان،
زانجا بر آسمان-
این حرف جاویدان:

« از ما درود باد به آن حزب پیشتاز،

بر خلق قهرمان

وز ما درود باد به آن رهبر بزرگ

بر لنین کبیر ! »

کابل و مسکو

از مهر و محبت ثمر کابل و مسکو
وز وحدت دلها اثر کابل و مسکو
صلحست و صفا از نظر کابل و مسکو

تا کابل و مسکو دو دل اهل وفا
جز بر رخ هم باب محبت نگشایند
بگذار بود باز در کابل و مسکو

تا در پی صلح بشری دست بکارند
جز دوستی خلق جهان کار ندارند
پر مهر تپد دل به بر کابل و مسکو

دلها شده پیوند به پیمان مؤدت
یک جان و دو پیکر بدمیدست محبت
در دوستی بنگر هنر کابل و مسکو

نابود شود هر که پی نیستی ماست
تا هست جهان شاهد همزیستی ماست
بوم و بر و کوه و کمر کابل و مسکو

برای تهیه مطلب، ازین نوشته ها نیز بهره برده ام:

مجموعه از اشعار، اتحادیه محصلان افغانی در خارج از کشور، ۱۹۷۸
نشریه شعله جاوید شماره اول تا یازدهم، ماه اپریل تا جون ۱۹۶۸ میلادی
تارنمای حزب همبستگی افغانستان

بادبان، سلیمان لایق، مطبعه دولتی، سال طبع ۱۳۶۰ خورشیدی
شیپور انقلاب، بارق شفيعی، مطبعه دولتی، اتحادیه نویسندگان ج.د.ا شماره ۶۷، ۱۳۵۵ خورشیدی
پایان

یادداشت:

در این بازنگری به مطالب به گفته همکار گرامی ما آقای جیلانی لیب «شعر و ادب چپ گرا...» به یقین اشعار و نوشته های برخی از نویسندگان و شعرائی نیز مطرح می گردد که آن نویسنده ها و یا شاعران نه تنها مواضع فکری و سیاسی دیروزشان را نمایندگی نمی نمایند، بلکه بدون مبالغه به لجنی مبدل شده اند که می توانند ننگ دیروز شان به شمار آیند؛ لذا از قبل پیداست که نشر اشعار چنان افرادی، به معنای تأیید شخصیت کنونی آنها نمی باشد.

اداره پورتال AA-AA

* - از آنجائی که در این باز نگری تاریخ شعر و ادب یک برهه خاصی از حیات اجتماعی مردم افغانستان مطرح بحث قرار دارد، به ناگزیر ضمن بررسی این فرایند اشعار تنی چند از جنایتکاران و میهنفروشان مانند سلیمان لایق، بارق شفيعی و ... نیز امکان چاپ می یابد. از قبل مشخص است که نشر چنین اشعاری، به هیچ وجه به معنای اغماض در مقابل جنایات و میهنفروشی های آنها نباید تفسیر بگردد.

اداره پورتال AA-AA